



«نظریه مقاومت» چارچوبی برای تحلیل گام دوم انقلاب اسلامی

رشید رکابیان^۱، سید ابوالفضل موسوی‌زاده^۲

چکیده:

مسئله اساسی این مقاله، نظریه مقاومت به عنوان نظریه‌ی جدید سیاسی-اجتماعی برآمده از پیروزی انقلاب اسلامی، برای حال و آینده انقلاب اسلامی است. این نظریه در مقابل سلطه نظریه‌های غربی - استکباری قدامت‌گرا و باعث توانمندسازی و بیداری جهان اسلام شد. انقلاب اسلامی در چهار دهه گذشته باتکیه بر این نظریه ضمن به حاشیه راندن سلطه نظریه‌های استکبار، موفقیت‌های زیادی در زمینه سیاسی، اقتصادی، علمی و... بدست آورد. این نظریه دارای ویژگی‌هایی مانند فطری بودن، عقلانی بودن، دائمی بودن می‌باشد همچنین دارای عناصری سلبی مانند استکبارستیزی، ظلم ستیزی و ایجابی همچون معنویت محوری، صلح طلبی و... می‌باشد. با آغاز دهه پنجم انقلاب اسلامی رهبر معظم انقلاب اسلامی بیانیه‌ای را در مورد آینده انقلاب اسلامی اعلام نمودند که در این بیانیه مسیر انقلاب اسلامی را جهت رسیدن به تمدن نوین اسلامی ترسیم نمودند و معظم له مهمترین ماموریت‌های گام دوم انقلاب را اقتدار در حوزه‌های زیر دانستند که باتکیه بر مقاومت بدست می‌آید. ۱. حوزه علم و پژوهش ۲. حوزه معنویت و اخلاق ۳. حوزه اقتصاد ۴. حوزه عدالت و مبارزه با فساد ۵. حوزه استقلال و آزادی ۶. حوزه عزت ملی و روابط خارجی ۷. حوزه سبک زندگی؛ بر این اساس اگر گام دوم انقلاب در چارچوب نظریه مقاومت مورد عنایت همه کارگزاران و عموم مردم قرار بگیرد می‌تواند موجبات پیشرفت و تمدن‌سازی اسلامی را به ارمغان بیاورد. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و با تاکید بر متن گام دوم انقلاب بررسی می‌شود.

واژگان اصلی: نظریه مقاومت، انقلاب اسلامی، گام دوم انقلاب، مقام معظم رهبری.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آیت الله بروجردی (ره)، بروجرد، ایران. (نویسنده مسئول)

ra.recabian@gmail.com

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ (۱۹۷۹م.) که میشل فوکو از آن با تعبیر مختلفی چون «انقلابی با دست‌های تهی» (فوکو، ۱۳۷۷: ۴۳-۶۴) و «ایران، روح یک جهان بی‌روح» (فوکو، ۱۳۷۹) و به عنوان نخستین انقلاب پست مدرن یاد کرده‌است، نه تنها موجب بروز تحولات عظیمی در سیستم و نظام بین‌الملل گردید، بلکه اعتبار کلیه مکاتب فکری و اندیشه‌ای در غرب به‌ویژه نظریه پردازان در زمینه بروز انقلاب‌ها و همچنین توضیح تحولات در سیاست و نظام بین‌الملل را به چالش کشاند و کارآمدی روش‌شناسی پوزیتیویستی در سیاست بین‌الملل را کاهش داد. هیچ یک از مکاتب فکری قرن بیستم اعم از مکتب‌های رئالیستی، مارکسیستی، لیبرالیستی، رفتارگرایان، مدرنیسم و حتی ما بعد مدرنیسم قادر به پیش‌بینی و تحلیل حوادث و اتفاقاتی که منجر به پیروزی، تداوم و گسترش انقلاب اسلامی و همچنین اقتدار روزافزون جمهوری اسلامی که مولود انقلاب بود نگردیدند.

میشل فوکو در تعبیری دیگر تحولات سیاسی و اجتماعی ایران را در قالب «انقلاب به نام خدا» نامید. در حالی که هیچ یک از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل و قوفی نسبت به نقش سیاسی، هنجاری و ارزشی انقلاب ایران در فضای سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی نداشتند. در چنین شرایطی، طبیعی به نظر می‌رسد که جلوه‌هایی از بحران در فضای تحلیلی نظریات روابط بین‌الملل ظهور یابد. انقلاب ایران بیش از هر تحول سیاسی و اجتماعی دیگری بر سیاست بین‌الملل تأثیر گذاشته است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۶۷) نشانه‌های آن را می‌توان در تأثیرگذاری بر اندیشه‌های روابط بین‌الملل، ظهور رهیافت‌های هویت‌گرا در روابط بین‌الملل، تأثیرگذاری بر توازن قدرت منطقه‌ای و فعال‌سازی گروه‌های اجتماعی به عنوان نیروهای تأثیرگذار بر سیاست بین‌الملل دانست. هر یک از مولفه‌های یادشده به عنوان مولفه جدیدی محسوب می‌شود که می‌تواند بر معادله قدرت و کنش بازیگران در سیاست بین‌الملل تأثیرگذار باشد. محور اصلی گفتمان جدید راه، زبان سیاست مقاومت اسلامی تشکیل می‌دهد. مولفه‌ای که تا دهه ۱۹۸۰م. در رهیافت‌های سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی هیچ‌گاه مورد توجه قرار نگرفته است (پوستین‌چی و متقی، ۱۳۹۰: ۱۰۷-۱۰۶).

براساس همین نظریات بود که غرب، دست‌کم در دو قرن اخیر به واسطه نشاط تمدنی و سیاسی، یک حرکت تهاجمی به مناطق دارای اهمیت جهان داشته است. و به مدت دو قرن در ایران یا دولت مستقلی نداشت و یا توسط استعمارگران اشغال می‌شد و در دوره پهلوی به ظاهر به عنوان متحد غرب و در باطن فاقد استقلال سیاسی، اقتصادی، و زبانه و ذیلانده منابع و منافع غرب را تامین می‌کرد؛ همین امر موجب شده «استقلال‌طلبی» و «مقاومت» در برابر سلطه‌جویی یکی از شاخصه‌های حرکت انقلابی

مردم ایران در بهمن ۵۷ باشد. براین اساس وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ سبب شد تا استکبار جهانی که منافع خود را در خطر می‌دیدند، علی‌الخصوص ایالات متحده آمریکا، برای به چالش کشاندن نظام سیاسی جدید ایران در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، و نظامی تلاش کنند. لذا استکبار جهانی در مدت چهاردهه گذشته شدیدترین تحریم‌ها، بحرانها و چالشها را جهت براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران داشته است؛ اما در این چهاردهه با درایت و مدیریت بنیان گذارانقلاب و پس از آن مقام معظم رهبری باتاکید بر مقاومت مردم در برابر استکبار، انقلاب اسلامی وارد دهه پنجم خود شد. بر همین اساس مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی رسیدن به سوی تحقق آرمان «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحناfadeh)» از طریق تأکید بر نظریه مقاومت تأکید داشتند. لذا حرف‌های اصلی این بیانیه، تکرار و تأکید بر حرف‌های اصلی و مبنایی گذشته‌ی انقلاب اسلامی است. بر همین اساس است که انقلاب اسلامی «تجدید نظرپذیر و اهل انفعال نیست.» و «به هیچ بهانه‌ای از ارزشهایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد.» و «از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع میکند.» (بیانیه ۲۲-۱۱-۹۷) دلالت این گزاره‌ها حاکی از لزوم استقامت بر ایمان گذشته تا اکنون و تثبیت نظریه‌ی نظام انقلابی است.

باتوجه با طرح مسأله، سؤال تحقیق عبارت است از: باتوجه به شرایط تاریخی ایران نظریه مقاومت چگونه می‌تواند چارچوبی برای تحلیل جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی باشد؟ فرضیه تحقیق، باتوجه به تجربه تاریخی ایران، و سلطه نظام استکبار جهانی بر آن، نظریه مقاومت همانگونه که در دوران جمهوری اسلامی ایران باعث عزت، استقلال، رشد علمی، و... ایران شد می‌تواند به تحقق گام دوم انقلاب که رسیدن به تشکیل تمدن نوین اسلامی است برسد.

۱-پیشینه تحقیق

در مورد گفتمان مقاومت و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی همایشها و مقالات زیادی به رشته تحریر درآمده است که در ادامه مختصراً به چند مورد اشاره میشود. اما در مورد نظریه مقاومت و رابطه آن با بیانیه گام دوم مقاله یا کتابی نگارش نشده است که تفاوت این مقاله با پژوهش‌های مذکور را روشن می‌نماید.

۱-پورحسن ورکابیان (۱۴۰۰) گفتمان مقاومت و گام دوم انقلاب اسلامی؛ با توجه به مبانی دینی، تاریخی و سیاسی، گفتمان مقاومت نقش هدایتگر انقلاب اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی

را ایفا می‌کند.

۲- رکابیان و پورحسن (۱۳۹۹) الزامات و راهکارهای اجرایی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی باتاکید بر بیانات مقام معظم رهبری؛ اجرای بیانیه گام دوم انقلاب نیاز به الزامات و راهکارهایی دارد اما الزامات اجرایی بیانیه در چند حوزه معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، غایت‌شناسی و انسان‌شناسی می‌باشد و راهکارهای اجرایی بیانیه عبارتند از سلامت اعتقادی، مدیریت جهادی، نهادسازی بیانیه، اجرای عدالت، جوان‌گرایی، اعتماد به خود.

۳- قادری کنگاوری (۱۳۹۲)، نظریه مقاومت در روابط بین الملل رویکردی ایرانی اسلامی نقی سبیل در برخورد باغرب؛ نویسنده معتقد است نظریه مقاومت به عنوان یک نظریه رهایی بخش در قالب پارادایم برخورد با سلطه غرب و مبتنی بر قدرت انقلاب اسلامی از بتن اسلام ناب محمدی ص ویا هدف غریب‌دگی زدایی از نظام بین الملل نظریه پردازی شد.

۴- نادری و فرهادی (۱۴۰۰) خوانش گفتمانی مقاومت اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی؛ معتقدند خوانش گفتمانی مقاومت اسلامی در بیانیه گام دوم بر این نکته تأکید دارد که دالهای حاکمیت اسلام ناب محمدی به مثابه هسته، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری به مثابه ماهیت، مقدمه‌سازی ظهور مهدی موعود (ع) به مثابه راهبرد، تحقق تمدن نوین اسلامی به مثابه هدف، تقویت جبهه مقاومت به مثابه برنامه، وجوه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مقاومت به مثابه ابعاد، ایمان الهی و مدیریت جهادی به مثابه ابزار، نقش مفصل‌بندی گفتمان مقاومت اسلامی را ایفا می‌کنند.

۵- دبیری مهری و همکاران (۱۴۰۰) مؤلفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در خاورمیانه؛ معتقدند مقاومت اسلامی در مقام یک گفتمان هنوز در بسیاری از کشورهای منطقه دالهای شناور خود را معنادهی نکرده است و هنوز این دالهای شناور در عرصه گسترده‌ای از بارمعنایی شناور برخوردارند.

۶- رهنمایی (۱۳۹۹) ماندگاری بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مبتنی بر مبانی فطری و کلامی؛ معتقدند مبانی فطری و کلامی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی برگرفته از قرآن و سنت است و برای کسانی که اعتقاد دارند دلیل و راهنما می‌باشد و باید براساس آن رفتار کرد.

۷- سلطان‌ی‌وش (۱۳۹۴) و مهدوی‌اطهر (۱۳۹۷) در آثار خود به جمع‌آوری سخنان رهبری پیرامون مقاومت و نهضت‌های مقاومت و دسته‌بندی آن پرداخته‌اند. سرافراز (۱۳۹۵) علاوه بر جمع‌آوری بیانات رهبری، گریزی به فلسفه سیاسی مساله زده و سعی در تطابق عنصر مقاومت در اندیشه حضرات‌الله خامنه‌ای را با مفهوم اسلامی داشته است. کتاب «اندیشه مقاومت» (۱۳۹۸) از صالح

میرزایی نیز صرفاً به گرد آوری سخنان معظم له در حوزه مقاومت پرداخته است.

۲- مبانی مفهومی و نظری

واژه «مقاومت» برگرفته از فعل ثلاثی مجرد «قام» به معنای به پاخاستن و برخاستن و نیز پایداری ماندن است. این واژه بر وزن مفاعله و به معنای با کسی به هم برخاستن و یا با هم ازجا بلندشدن و با کسی ضدیت کردن و نیز ایستادگی و پایداری کردن است. (عبدالغنی، ۲۰۰۱: ماده قام) معنای غالب درواژه مقاومت، ایستادگی و مقاومت کردن در برابر چیزی است که توازن و تعادل را برهم زده، خواه این عامل درونی باشد مانند امیال نفسانی؛ یا بیرونی مانند بیماری، تجاوز یا اشغالگری.

از معنای لغوی مقاومت چنین برمی آید که محدود به رویارویی در میدان جنگ نیست و هر نوع مقاومت و پایداری در برابر عوامل برهم زننده تعادل و توازن را شامل می شود؛ با این حال مقاومت، شامل پایداری در برابر هرگونه عامل بیرونی و درونی می شود. بنابراین «مقاومت یک وجه قتالی نیست بلکه یک رویارویی فرهنگی، تربیتی، اخلاقی و سلوکی و اقتصادی و سیاسی و نظامی است» (عمر، ۲۰۱۱، edlEb.net). مقاومت، سیاست و سلوکی ممتد است و نه حادثه و یا لحظه، بلکه کاری تمدنی و فراگیر و مستمر و متکامل و مستقل در رویاری با مبارزه طلبی ها، دشمنی ها و تجاوزگری ها و یا هر چیز دیگری است که برهم زننده تعادل و توازن باشد. براین اساس مقاومت، برکلیه عکس العمل هایی اطلاق می شود که ممکن است به شکل تدابیر اجرایی و بازدارنده باشد و گروه یا سازمان یا فردی در رویارویی یا تهدیدها و خطرهای خارجی یا داخلی با آن روبرو می شود (مطلق، ۲۰۰۹: ۲۰).

۲-۱- نظریه گفتمان لاکلاو و موفه

نظریه گفتمان، با نقش معنادار رفتارها و ایده های اجتماعی در زندگی سیاسی سروکار دارد و در تلاش است با به کارگیری مجموعه ای از ابزارهای روش شناسی، در راستای تحلیل کلامها، نوشته ها، مصاحبه ها و... گام بردارد (هوارت، ۱۳۸۸: ۱۹۶) لاکلاو و موفه ضمن استفاده از مفهوم فوکویی، قدرت و نظریات زبان شناسی سوسور، از مفروضات بنیادستیزی و جوهرستیزی فلاسفه ای نظیر رورتی، دریدا و لیوتار بهره جستند (حقیقت و حسینزاده، ۱۳۸۷: ۱۰۴) به اعتقاد لاکلاو و موفه «هر معنا در ارتباط با رفتار کلی ای که در حال وقوع است و هر رفتار در ارتباط با یک گفتمان خاص» درک می شود. از اینرو ما فقط در صورتی می توانیم یک فرایند اجتماعی را توضیح، تبیین و ارزیابی کنیم که قادر به درک رفتار و

گفتمانی باشیم که در درون چنین فرایندی اتفاق افتاده است (هوارت، ۱۳۸۸: ۱۸۷)

قابلیت‌های نظریه گفتمان لاکلا و موفه با به‌کارگیری مفاهیمی چون مفصلبندی به دست آمده‌است. مفصلبندی کنشی است که میان عناصر مختلف مانند مفاهیم، نمادها، رفتارها و چنان رابطه‌ای ایجاد میکند که هویت اولیه آنها دگرگون شده، هویتی جدید بیابند ازاینرو هویت یک گفتمان در اثر رابطه‌ای که از طریق عمل مفصلبندی می‌ا عناصر گوناگون به وجود می‌آید، شکل می‌گیرد (تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۶) آنچه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه را از سایر نظریه‌های گفتمانی متمایز میکند، تسری گفتمان از حوزه فرهنگ و فلسفه به جامعه و سیاست است (حسینی زاده، ۱۳۸۳: ۱۹۴)؛ لذا با توجه به اهداف و ماهیت موضوع پژوهش، این نظریه میتواند پاسخگوی نیاز نظری این پژوهش باشد نظریه گفتمان لاکلا و موفه از مفاهیمی چون مفصلبندی، دال و مدلول، عنصر، وقته، حوزه گفتمان‌گونی، ضدیت و غیریت، هژمونی و ثبیت معنا، قدرت، امکانیت، بقراری، وجه اسطوره‌ای و استعاره تشکیل شده است، ویژگی مفاهیم یادشده آن است که به شکلی خاص، به صورت زنجیروار با یکدیگر مرتبطند. فهم هر مفهوم ما را به شناخت مفاهیم بعدی رهنما میشود، ضمن اینکه برخی مفاهیم اصلی چند مفهوم دیگر را دربرمیگیرند و این مفاهیم، زیر مجموعه مفاهیم اصلی هستند (کسرای و پوز شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۳) دالها درواقع اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب های گفتمانی خاص، بار معانی خاص دلالت میکنند معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت میکند، مدلول نامیده میشود مدلول نشانه‌ای است که ما با دیدن آن، دال موردنظر برایمان معنا میشود (ناظمی اردکانی و خالدیان، ۱۳۹۷: ۶۳) دال مرکزی نشانه‌ای است که دیگر نشانه‌ها در پیوند با آن معنا می‌یابند، مانند لیبرال دموکراسی که دالهایی چون انتخابات آزاد، آزادی بیان و مشارکت سیاسی در پیوند با آن به معنایی ویژه دست می‌یابند (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۷۸) غیریت و خصومت در نظریه لاکلا و موفه به امکانی و موقتی و تصادفی بودن نهایی پدیده‌ها و گفتمان‌ها اشاره دارد. خصومت همواره وجود یک گفتمان را تهدید می‌کند و آنرا در معرض فروپاشی قرار میدهد پس همه گفتمان‌ها خصلتی امکانی و موقتی دارند و هیچگاه اثبات نمی‌شوند (ناظمی اردکانی و خالدیان، ۱۳۹۷: ۶۵) از سوی دیگر، این تضاد به رغم نظریه مارکس همیشه خصلتی ویرانگر ندارد و می‌تواند سازنده هم باشد (مقدمی، ۱۳۹۰: ۷۸)

نظریه مقاومت که از ابتدای انقلاب اسلامی از سوی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و پس از آن مقام معظم رهبری مورد تاکید بوده به عنوان چارچوب عبور از بحرانها معرفی شد. براین

اساس یکی از مفاهیم کلیدی طرح شده در گفتمان انقلاب اسلامی کلیدواژه «نظریه مقاومت» است که در مقابل سلطه‌پذیری، سازش‌پذیری و تسلیم معنا و مفهوم می‌یابد. نظریه مقاومت گفتمان جدیدی را در جهان شکل داد و نظریه‌های رقیب را به حاشیه برد. نظریه مقاومت تقابل با نظریه استکباراست همانطوری که رهبر معظم انقلاب براین مهم تأکید دارند (نامه رهبر معظم انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۹۷) دراین نظریه، انقلاب اسلامی حاصل تقابل نیروهای گفتمانی برای معنادار کردن واقعیت اجتماعی است. در نظریه مقاومت فرض بر آن است که گفتمان استکبار جهانی به رهبری امریکا، بدنبال به حاشیه راندن ویا سرکوب کردن جمهوری اسلامی وبه طور اعم مسلمانان و کشورهای اسلامی وآزادیبخش بوده وهست. و همین ترمقابل و ستیز و سلطه طلبی امریکا با ایران باعث تولید دانش و صورت‌بندی معرفت معترض، مقاومت می‌کند. انقلاب اسلامی روایتی است که مردم ستم‌دیده و ستم کشیده ایران به دست آورده‌اند و به این ترتیب نظریه هژمونی استکبار جهانی را به چالش کشید. به همین دلیل از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون استکبار با محوریت امریکا به مقابله و ایجادسازی بحران علیه جمهوری اسلامی پرداخته است این مقابله از دید امریکاییها برای تغییر نظام جمهوری اسلامی می‌باشد تا دست از مقاومت بردارد. لذا نظریه مقاومت به عنوان یک نظریه‌ریایی بخش در قالب پارادایم برخورد با سلطه و مبتنی بر قدرت روایت انقلاب اسلامی از اسلام ناب محمدی (ص) و نظام بین الملل است. بدون شک چنین مقاومتی - مقاومت پویای برخاسته از انقلاب اسلامی و نه مقاومت منفعلانه - برگرفته از متن قرآن و سنت رسول الله (ص) است. می‌توان تأکید کرد که شکل‌گیری «پارادایم کربلا» بر دو پایه «هیئات من الذله» با هدف دفاع از کرامت و عزت آدمی و «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» با هدف تداوم ابدی فرهنگ عاشورا در اقصی نقاط جهان توانسته است گفتمان قدرت مقاومت و بلکه سیاست مقاومت را در برابر سیاست قدرت رئالیستی غربی قرار دهد.

¹ Resistance theory

Narrative Power²

³ Karbala Paradigm

⁴ resistance power

⁵ resistance politics

⁶ power politics

۳- مبانی نظریه مقاومت

مبانی نظریه مقاومت عبارتند از: کتاب، سنت و عقل.

مقاومت در قرآن فراتر از یک واژه یا اصطلاح است. مقاومت در قرآن یک فرهنگ است. قرآن وقتی می‌خواهد فرهنگ مقاومت را تبیین و توضیح دهد در مباحث گوناگون و در تجربه‌های عینی و زنده، از واژه‌های استقامت، صبر و ثابت قدمی استفاده می‌کند. بدیهی است که رسالت و تبلیغ، با استقامت و پایداری ارتباط نزدیکی دارد. در قرآن به این مسئله، بسیار اهمیت داده شده و همواره به امر صبر، حلم، ثبات قدم و استقامت تأکید شده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (هود: ۱۱۲) مراد از استقامت، همان ادای مأموریت و رساندن آن و جلوگیری از منهیات الهی است چنان که در قرآن، مأمور بدان شده بود. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵/۳۰۴) مراد از استقامت آدمی در یک کار، این است که از نفس خود بخواهد که درباره‌ی آن امر قیام کند و آن را اصلاح کند به طوری که دیگر فساد و نقص به آن راه نیابد و به حد کمال و تمامیت خود برسد. (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱/۴۷). این استقامت هم در فعل و هم در خلق است. پس ارزش استقامت تا اندازه‌ای است که خداوند متعال، پیامبر خود را به آن امر می‌کند و اگر پیامبر استقامت نداشته باشد، نمی‌تواند از پس مأموریت خود برآید. زندگی پیامبران و امامان معصوم (ع) با استقامت و پایداری در دعوت و رسالت عجین است. مصداق‌هایی از این استقامت و پایداری، در قرآن ذکر شده است که از این قرارند:

سرگذشت ابراهیم (ع) (صافات: ۱۰۲)، سرگذشت یعقوب (ع) و استقامت او در حزن و فراق فرزندش یوسف (ع) (یوسف: ۱۸)، صبر موسی (ع) در مقابل فرعون: سوره شعراء. و مقاومت پیامبر اسلام در مقابل استکبار زمانش منجر به فتح مکه و تشکیل دولت اسلامی شد (سوره فتح). آیات زیادی بر مقاومت در برابر مشکلات، سختیها، استکبار و... اشاره دارد. به عنوان نمونه آیات سوره محمدآیه ۵، فتح ۲۲ و ۶، انفال ۶۰، احزاب ۳۸، توبه ۶۸، مجادله ۱۴، و... به این موضوع اشاره دارد.

یکی از منابع اصلی دین اسلام، دلیل عقل است، (اعتقاد ما، ۹۳) لذا مقاومت یک مطلب عقلی است و فلسفه‌اش برپایی و گسترانده شدن دین خدا بر روی زمین برای بیان و تفکیک حلال و حرام و قواعد الهی است.

۴- ویژگی های نظریه مقاومت

ویژگی های نظریه مقاومت براساس آنچه ازقرآن بدست می آید عبارتند از:

۱- فطری بودن: مقاومت، حالتی فطری است، زیرا آفریده های این جهان به طور مشترک دارای صفت مقاومت هستند که در همه موجودات از ریزترین واحد تا بزرگترین مجموعه، ساری و جاری ست، برای سالم ماندن و آسیب ناپذیری همه جانبه (مادی و معنوی) انسان، از یک سو، دستور این است که انسان به سوی پدیده های منفی گرایش نداشته باشد، به عنوان مثال ستمگران قابل اعتماد نیستند و نباید به آنان تمایل نشان داده شود، بیان قرآن در این باره چنین است (هود/۱۱۳)

۲- مقاومت در برابر عناصر منفی: مقاومت همواره در برابر ضد مقاومت است، یعنی از یک سو تجاوز، ستم اعمال می شود و از سوی دیگر مقاومت به شکل های گوناگون و متناسب با پدیده منفی، که امری خارجی است، همیشه ارادی بوده و از طرف فرد، گروه، جامعه و ملت و در برابر پدیده بیرونی ظاهر می گردد. بدون تردید افرادی که دارای هویت هستند و در یک سو حرکت می کنند، هرگز میان آنان، نزاع و کشمکش وجود ندارد و حمله یک طرفه و انتقام گیری از طرف آنان قابل قبول نیست. بیان قرآن در مورد دو سویه بودن امر مقاومت و ضد مقاومت چنین است: «هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع بپردازند، آنان را آشتی دهید و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خداوند بازگردند.» (حجرات-۹)

۳- فراگیری و همه جانبه بودن: مقاومت، گونه ها و شیوه های فراوان از مجاهدت با نفس گرفته تا مبارزه مسلحانه- دارد، اما به علت وصف کلیت و شمول، هیچ گونه ای از آن جایگزین گونه دیگر نمی گردد. قرآن در جای دیگر با صراحت اعلام می کند که هر گاه مورد تجاوز و ستم قرار گرفتید، مقابله به مثل که از اشکال مقاومت است، بر شما واجب می باشد (بقره-۱۹۴)

۴- اصالت دفاع در مقاومت: اصالت مقاومت بر دفاع است و همیشه از سوی نیروهای عدل و حق در برابر نیروهای منفی ستمگر و تجاوزگر صورت می پذیرد: «اگر (در مسجد الحرام) با شما پیکار کردند، آنان را به قتل برسانید، جزای کافران چنین است.» (بقره-۱۹۱)

۵- هدفدار و منظم بودن: مقاومت امری هدفدار، منظم و یک پارچه است. خداوند در سوره صف مقاومتی منظم و یک پارچه را به تصویر می کشد: «خداوند کسانی را دوست می دارد که در راه او پیکار می کنند، گویا بنایی محکم و منظم و استوار هستند.» (صف، ۴). لزوم وحدت و یکپارچگی، لازمه مقاومت در برابر مشرکان و یا به طور کلی نیروهای منفی است که جملگی در مقابل حق طلبان

می‌ایستند و در صدد آسیب رساندن به آنان بر می‌آیند. (توبه، ۳۶)

۶- شرعی بودن: مقاومت، دستور الهی و یک واجب شرعی است و از ضروریات زندگی بشر است. خداوند متعال، صلاح زندگی بشر را بر اساس مقاومت قرار داده‌است. (نساء، ۸۴، توبه، ۸۱)

۷- دائمی بودن: از آن جا که خداوند متعال در قرآن با بیانات مختلف، انسانهای صالح و تقوایندگان را جانشین خود در زمین می‌داند و آنان را وارث زمین خواهد کرد، ازسوی دیگر همین انسانهای شایسته و با تقوا به طور طبیعی همواره با موانعی از امیال نفسانی، ستم و تجاوز و طغیان دیگران روبرو خواهند بود، بنابراین جهت دست یابی به اهداف خویش، لازم است مقاومت نمایند و به ناگزیر، مقاومت امری همیشگی خواهد بود و به زمانی خاص محدود نمی‌شود. قرآن کریم مقاومت را تا دفع فتنه و سرافرازی دین خدا لازم می‌داند، دلیل بر دائمی بودن آن است (بقره، ۱۹۳ و حجرات/ ۹)

۸- قدسی بودن مقاومت: مقاومت در راه حق یک مکانیسم اجرایی ساده و عینی و بدون پشتوانه نیست، بلکه افزون بر آثار ظاهری دنیوی که برای انسانها به بار می‌آورد، ویژگی بسیار مهم آن قداست است. این ویژگی، معنوی و باطنی می‌باشد و آن چنان از بعد ارزشی، در اوج و شکوه قرار دارد که ژرفای آن را اندیشه و خرد انسانها نمی‌تواند درک کند و تنها خداوند، ارزش آن را می‌داند و به آن پاداش می‌دهد. «دفاع بالذات ارزش و قداست دارد، مهم درک و معرفت صحیح از آن است. این معرفت است که به انسان درس مقاومت، صبر و مبارزه می‌دهد» (رستمی کیا، ۱۳۸۹: ۹۵) قرآن کشتگان در راه خدا را زنده می‌داند که نزد پروردگار روزی داده می‌شوند و این گونه بر قداست مقاومت در راه حق، مهر تأیید می‌زند. (آل عمران، ۱۶۹)

۹- منطق و عقلانیت انقلابی: چارچوب گفتمانی نظریه مقاومت مبتنی بر «منطق و عقلانیت انقلابی» است؛ درست نقطه مقابل «منطق و عقلانیت ابزاری و مادی» که سازش با استکبار را تئوریزه می‌کند.

۱۰- تضمین منافع: نمی‌توان منکر این واقعیت شد که «مقاومت» هزینه دارد و می‌توان ادعا کرد منافع «مقاومت» تضمین شده است.

۵- عناصر نظریه مقاومت:

عناصر نظریه مقاومت را می‌توان در دو دسته طبقه بندی کرد؛ یک بخش نفی یا سلبی است و بخش دیگر اثباتی و ایجابی. در مرکز بعد سلبی نظریه مقاومت، سلطه ستیزی قرار دارد. یعنی مهم ترین عنصر سلبی نظریه مقاومت، نفی سلطه و سلطه ستیزی است و دوم، نفی استکبار و استبدادستیزی

است. انقلاب اسلامی یک بعد مهمش نفی استبداد بود. انقلاب اسلامی برای مستضعفین است؛ ولی بر اساس آموزه های اسلام باید با استضعاف هم مبارزه کرد و آن را از بین برد نه اینکه با مستضعفین ستیزه کرد. نفی تبعیض و خشونت ساختاری در نظام بین الملل، نفی توسعه طلبی و زیاده خواهی و تجاوزطلبی در روابط بین الملل نیز باز به بعد سلبی نظریه مقاومت بر می گردد.

اما مهم ترین وجوه اثباتی و ایجابی نظریه مقاومت که در مرکز این نظریه قرار دارد، عبارت است از عدالت خواهی و حق طلبی، اسلام خواهی، صلح طلبی، عزت طلبی و اقتدار، استقلال طلبی، آزادی خواهی، معنویت گرایی، حکمت و عقلانیت گرایی، مصلحت گرایی و آرمان گرایی و واقع بینی. به هر جهت، عناصر مذکور نظریه مقاومت را به عنوان یک نوع نظریه آرمان گرایی و واقع بینانه مطرح می کند، زیرا آرمان هایی در این نظریه هست و هم زمان به یک واقعیت هایی هم توجه می شود.

عناصر نظریه مقاومت و عناصر گام دوم انقلاب



۶- رابطه نظریه مقاومت و گام دوم انقلاب اسلامی

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، حفظ انقلاب را در چهارده گذشته، مقاومت مردم ایران می داند و می نویسد: «از میان همه ی ملت های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همّت می گمارد؛ و

در میان ملت‌هایی که به‌پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییر حکومتها، آرمانهای انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه مِلّت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمانهایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر میرسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است» (بیانیه ۲۲-۱۱-۹۷) البته رسیدن به نظام مطلوب را همچنین مقاومت می‌داند. براین اساس در بیانیه گام دوم انقلاب که بر هفت محور تأکید دارد با نظریه مقاومت یک رابطه تسلسلی دارد چرا که لفظ مقاومت در بیانیه گام دوم ۹ مرتبه (الگوی مقاومت، نیروهای مقاومت، اقتصادمقاومتی، دفاع از مقاومت، مقاومت، پرچم مقاومت در منطقه، ایستادگی در برابر قلدران، زورگویان و مستکبران) بکار رفته است. از نگاه امام خامنه‌ای در آبان (۱۳۹۷) دوگانه نه جنگ و نه مذاکره و سازوکار نظریه مقاومت را مطرح کرد (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۸/۱۲)

باید گفت بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به‌مثابه متنی در نظر گرفته شد که شبکه معانی مقاومت باید در آن ادراک شود. برای این منظور با رجوع به مضامین بیانیه گام دوم، دلالت‌های حاکم بر متن استخراج شد. نتایج خوانش متن بیانگر آن است که در مجموع ۳۷ مضمون از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر مقاومت دلالت دارد.

۶-۱- حوزه علم و معنویت

صدها ایه و روایت در بیان اهمیت علم، جایگاه، تعریف، اقسام، شرایط و مسائل علم و آموزش و نیز مذمت جهل و آثار آن آمده‌است. بطوری که هیچ مکتبی این همه توصیف و تأکید، آن هم با این مضامین بلند و نورانی در باره علم ندارند. در قرآن کریم اشارات فراوانی بر این مساله شده است. (علق، ۱-۵ بقره، ۳۱-۳۳ زمر، ۹ و ۱۸) در روایات معصومین ع نیز علم و معرفت با عناوینی چون رَأْسُ الْفَضَائِلِ، قَاتِلُ الْجَهْلِ، حَقِيقَةُ الْحَيَاةِ، أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ، رَفْعَةُ الدَّارِینِ، هَادِی، مَنْجِی، أَفْضَلُ الْأَنْبِیَینِ، أَفْضَلُ الْجَمَالِینِ، أَفْضَلُ هِدَايَةٍ، أَفْضَلُ شَرَفٍ، أَفْضَلُ حِرْزٍ، سِتْرُ الْعُیُوبِ، أَنْفَعُ كَنْزٍ، مِيرَاثُ الْأَنْبِیَاءِ، خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ، توصیف شده است. امام خمینی ره در این خصوص می‌فرماید:

«آیات قرآن کریم آن قدر راجع به علم و راجع به دانش سفارش فرموده است که شاید در سراسر کتب دیگر نباشد. اسلام با تخصص، با علم، کمال موافقت را دارد، لکن تخصص و علمی که به خدمت ملت باشد؛ در خدمت مصالح مسلمین باشد... اسلام در راس ادیانی است که از علم و

تخصص تمجید کرده و مردم را دعوت کرده است، حتی دعوت کرده است که هر جا یافتید علم را، حتی از هر کافری یافتید، آن را بگیرید،» (صحیفه امام ره ج ۱۴: ۳۵۷)

دین مبین اسلام برای علم و آگاهی ارزش ویژه ای قایل است به طوری که علم زیربنای همه ارزشها و جهل اساس همه بدبختی ها و مفاسد فردی و اجتماعی به شمار می رود. در روایتی که نشان از سختی و مشکلات پیش رو در طلب علم و معرفت دارد می‌فرمایند: «دانش را طلب کنید ولو در چین باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ۱۸۰) شهید مطهری از قول یک مستشرق غربی که در خطاب به مسلمانها گفته می‌نویسد: «پیغمبر شما علم را بر شما فرض شمرده و نه از افراد و اختلاف جنس، نه از لحاظ زمان، نه از لحاظ مکان، نه از لحاظ تعلم قیدی قرار نداده و باز این قدر در جهالت باقی هستید و این قدر بیسواد در میان شما وجود دارد؟» (مطهری، ۱۳۷۹، ۱۶۳)

این همه تشویق و تأکید دین مبین اسلام بر علم و علم آموزی برای این است بدنبال ساختن فرد و جامعه‌ای است که تمام فعل و انفعالات فردی و اجتماعی بشر بر اساس آگاهی و معرفت شکل بگیرد تا بتوان سعادت یک جامعه را تضمین نمود. بر همین اساس مقام معظم رهبری مهمترین و اولین محور مورد نظر در گام دوم انقلاب را بحث علم و پژوهش دانستند. ایشان در اینخصوص در جای دیگری فرمودند: «پیشرفت علمی را دست کم نگیرید. این پیشرفتها خیلی مهم است. علم، پایه ی پیشرفت همه جانبه ی یک کشور است. ... هر کس این اقتدار را داشته باشد، می تواند به همه ی مقاصد خود دست پیدا کند.... علم برای ما به عنوان یک پیشرفت حتماً لازم است». (مقام معظم رهبری ۱۳۹۰/۱۱/۱۴)

امام خمینی ره نیز عنایت ویژه ای به بحث تحصیل علم و فن و خودکفایی علمی داشتند و فرمودند: «در اثر محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی، خود جوانان عزیز ما قطعات محل احتیاج را ساخته و با قیمتهای ارزاتر عرضه کرده و رفع احتیاج نمودند و ثابت کردند که اگر بخواهیم می‌توانیم» (صحیفه امام، ج ۲۱، ۴۱۶ - ۴۱۷)

بنابراین با عنایت به متون و نصوص ارزشمند دینی و تأکید حضرت امام ره و مقام معظم رهبری، تنها راه تحقق تشکیل جامعه علمی در گام دوم انقلاب این است که ما بتوانیم از منظر علمی پیشرفتهای قابل توجهی در عرصه های مختلف داشته باشیم. و این باانکا به استقلال و مقاومت به دست می‌آید.

۲-۶- حوزه معنویت و اخلاق

از آنجا که انقلاب اسلامی ایران، بر اساس ماهیتی اسلامی شکل گرفته است، بایستی بر اساس قوانین و ارزش‌های والای اسلامی نیز حرکت نموده و افراد و جامعه پیرامونی خود را نیز بر اساس قوانین اسلامی هدایت نماید؛ بزرگ‌ترین و محوری‌ترین ارزش‌های اسلامی که در متن انقلاب اسلامی نهفته است، اخلاق و معنویت می‌باشد، به گونه‌ای که اسلام بدون اخلاق و معنویت هیچ مفهومی ندارد. بر این اساس سایر آموزه‌های بشری و دینی از قبیل خانواده، اقتصاد، مدیریت، سیاست، حکومت، و غیره هیچ گاه نمی‌توانند فارغ از اخلاق و معنویت شکل بگیرند؛ اخلاق و معنویت به تمام امور دیگر جهت می‌دهد. ارزش‌های اخلاقی و معنوی اگرچه به صورت فطری در وجود انسان به ودیعه گذاشته شده است اما اگر به درستی مورد توجه قرار نگیرند می‌تواند در مواجهه با طبیعت و تعاملات و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و غفلت‌ها و قصورهای انسانی مورد بی‌مهری قرار گیرد و به انحراف کشیده شود.

معنویت و اخلاق الهی به عنوان یک نیاز اساسی برای جامعه به شمار می‌رود، تأکیدات فراوانی در متون دینی بر توجه به معنویت و اخلاق وجود دارد. حوزه معنویت و اخلاق از مهمترین محورهای گام دوم انقلاب به شمار می‌رود که شایسته توجه ویژه از سوی دولتمردان و عموم مردم می‌باشد. مقام معظم رهبری در سخنانی ارزشمند حوزه اخلاق را مورد توجه قرار داده ضعف اخلاقی و عدم تزکیه نفس را یکی از ضعفهایی می‌داند که به موازات سایر محورها پیشرفت نداشته است و می‌فرماید: «از ضعفهای ما این است که ما به موازات علم، به موازات پیشرفتهای علمی، پیشرفت اخلاقی و تزکیه‌ی اخلاقی و نفسی پیدا نکرده‌ایم؛ این عقب‌ماندگی است» (امام خامنه‌ای ۱۳۹۰/۱۱/۱۴) لذا همانطور که ما نیاز به پیشرفت علمی داریم در اخلاق و معنویت نیز بایستی پیشرفت داشته باشیم و الا صرف پیشرفت علمی نمی‌تواند ما را به جامعه‌ای متمدن رهنمون سازد.

ایشان در بیاناتی دیگر شرط لازم اقتدار یک دولت را علاوه بر پیشرفت علمی، پیشرفت اخلاقی می‌دانند (امام خامنه‌ای ۱۳۸۸/۷/۱۴) براینکه در جامعه اخلاق استقرار پیدا کند، دو چیز لازم داریم: یکی تمرین و مجاهدت خود ماست و یکی هم آموزش‌های اخلاقی (۱۳۸۵/۱/۶) ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب نیز بر این نکته تأکید کردند که نهادینه کردن شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومتها توفیق چندانی نخواهد یافت.

۳-۶- حوزه اقتصاد

تعاملات اقتصادی در دنیای کنونی به شدت پیچیده است بطوری که هر کشوری برای بهبود وضع اقتصادی خود هر روز عرصه را برای رقیبان خود تنگ‌تر می‌سازد. و کشوری که از اقتصادی ضعیف برخوردار است نهایتاً مجبور می‌شود تا قدرت چانه زنی کمتری در سطح نظام بین الملل داشته باشد. اقتصاد مقاومتی بهترین راه مقابله با حملات ویرانگر رقبای در سطح نظام بین الملل می‌باشد و ضرورت دارد تولید داخلی خود را تقویت و بُنیه‌های اقتصادی داخلی را استحکام بخشید.

اقتصاد ج.ا. ایران در سایه تفکر ضد امپریالیستی و ضد استعماری از ابتدای انقلاب همیشه آماج حملات دشمنان بخصوص امریکا بوده است و از این راه همواره ضربه‌هایی را به دولت و مردم تحمیل کرده اند و کشور را با مشکلات اقتصادی مواجه کرده اند بر این اساس بهترین نظریه و شیوه رفتاری که در مقابل تحریم‌های ظالمانه کشورهای دیگر می‌تواند کارساز باشد توجه به اقتصاد مقاومتی است. «قرآن کریم افزون بر بیان اهمیت و تأکید بر انجام جهاد و رونق اقتصادی، در آیات فراوانی شیوه‌های عملی بهره‌گیری از مواهب طبیعی را عمران و آبادانی زمین و دستیابی به پیشرفت اقتصادی افراد و جوامع پیش روی آنان نهاده است.» (عبداللهی و قبادی، ۱۳۹۳: ۱۱۰) اقتصاد مقاومتی برگرفته از آموزه‌های اسلامی است که در بیانات امام خمینی ره و مقام معظم رهبری به انحاء مختلف مورد اشاره قرار گرفته است. حضرت امام (ره) به عنوان یک رهبر جامع الفکر، توجه ایران را به همه ابعاد استقلال اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و حتی فکری، جلب نمودند.

مقام معظم رهبری اقتصاد مقاومتی را علاج همه‌ی مشکلات اقتصادی می‌دانند که باید با جدیت دنبال بشود؛ (خامنه‌ای ۱۳۹۷/۳/۲) ایشان اقتصاد مقاومتی را چنین تعرف می‌کنند که «اقتصاد مقاومتی، یعنی اقتصادی که از درون می‌جوشد و احتیاج ما را به دیگران کم میکند و استحکام کشور را در مقابل تکانه‌های خارجی افزایش میدهد؛ این معنای اقتصاد مقاومتی است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۸/۲۶) برخی از مهمترین مولفه‌های اقتصاد مقاومتی در کلام مقام معظم رهبری را چنین می‌توان برشمرد:

۱- درون زایی بودن (خامنه‌ای ۱۳۹۷/۱/۱)

۲- اعتماد به مردم (خامنه‌ای ۱۳۹۶/۱۱/۲۹)

۳- جلوگیری از واردات بی رویه و ضعف تولید (خامنه‌ای ۱۳۹۶/۱۰/۶)

۴- جلوگیری از قاچاق کالا (خامنه‌ای ۱۳۹۶/۷/۲۶)

۵- نظارت و پیگیری مستمر (خامنه ای ۱۳۹۶/۶/۴)

۶- توجه ویژه به اشتغال (خامنه ای ۱۳۹۶/۵/۱۲)

۷- ضرورت توجه ویژه اساتید دانشگاهها به اقتصاد مقاومتی (خامنه ای ۱۳۹۶/۳/۳۱)

۸- گسترش صادرات (خامنه ای، ۱۳۹۶/۱/۱)

۹- ضرورت جریان سازی برای اقتصاد مقاومتی (خامنه ای ۱۳۹۶/۲/۱۰)

۱۰- استفاده از ظرفیت بسیج (خامنه ای ۱۳۹۵/۹/۳)

۱۱- ضرورت همراهی اقدام و عمل در اقتصاد مقاومتی (خامنه ای ۱۳۹۵/۸/۲۶)

۱۲- اقتصاد مقاومتی یک کار جهشی و فوق العاده (خامنه ای ۱۳۹۵/۶/۳)

با توجه به این مساله در نهایت مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب نیز راه حل مشکلات اقتصادی را در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است می داند که باید برنامه‌های اجرایی برای همه‌ی بخشهای آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولتها پیگیری و اقدام شود.

۶-۴- حوزه عدالت و مبارزه با فساد:

اجرای عدالت و مبارزه با فساد اموری هستند که از ماهیت انقلاب اسلامی نمی تواند جدا باشد، چرا که بر اساس فلسفه وجودی انقلاب اسلامی کمترین مورد فساد هم قابل قبول نیست. و بی عدالتی و فساد در واقع با معیارهای انقلاب بیگانه اند و محور حرکت انقلاب در گام دوم انقلاب تحقق اهداف انقلابی در راستای عمل به شعارهای انقلاب است که مقام معظم رهبری نیز به آن اشاره فرمودند. بر این اساس مبارزه با فساد و اجرای عدالت و عملیاتی کردن آن نیازمند عزم جهادی همه دلسوزان نظام است بطوری که اجرای عدالت و مبارزه با فساد باید بطور جدی صورت پذیرد. یکی از اهداف عالی دولت اسلامی عدالت می باشد که در قرآن و روایات بسیار بر آن تاکید شده است. و می تواند هم صبغه اجتماعی داشته باشد و هم صبغه سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و...

حضرت علی(ع) در فرازی از خطبه شششنبه یکی از دلایل قبول مسئولیت حکومت را پس از سالها خانه نشینی و دوری از تشکیل حکومت، مسئول بودن علما در برابر ستمپدگان و بیچارگان جامعه دانسته اند. (نهج البلاغه خطبه ۳ / ۵۰)

به خاطر اجرای عدالت، علی(ع) همه‌ی مشکلات دوران رهبری خود را لمس کرد؛ و در برابر آن ایستادگی و مقاومت کرد و به خاطر مواجهه با مشکلات و حل آنها حاضر نشد از عدالت دست بردارد؛ عدالت و مبارزه با فساد و بی عدالتی را می توان اصلی ثابت و از اهداف عالی همه دولتها

بخصوص دولت اسلامی به شمار آورد. مقام معظم رهبری نیز با بهره گیری از متون اسلامی بر این اصل تأکید می کند. این امر تا آنجا اهمیت دارد که امام خمینی ره تشکیل جامعه عادلانه را هدف انبیاء الهی می دانستند که تمام زحمات آنها برای تشکیل آن جامعه عادلانه بود و فرمودند: «همه زحمت انبیا برای این بود، که یک عدالت اجتماعی درست بکنند برای بشر در اجتماع و یک عدالت باطنی درست کنند برای انسان در انفراد» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۱: ۳۸۶)

بر این اساس برخی راهکارهای عملی مبارزه با فساد و برقرار عدالت را از منظر امام خمینی ره چنین می توان برشمرد:

۱- تعدیل برای حذف فاصله طبقاتی، ۲- حفظ منافع محرومان و گسترش مشارکت عمومی آنان ۳- اجرای قوانین و مقررات اسلام ۴- همراهی حکومت با اقشار ضعیف ۵- مراعات اصل ساده زیستی و نفی تجملات ۶- نفی نفوذ سرمایه داران در حکومت، ۷- نفی حب دنیا و دنیاپرستی، ۸- توجه به آبادانی عمومی ۹- تدوین قوانین به نفع محرومان جامعه، ۱۰- نفی اخلاق سرمایه داری و کاخ نشینی (جمشیدی و ایران نژاد، ۱۳۸۹: ۳۰-۳۶)

مقام معظم رهبری نیز با عنایت به ضرورت ایجاد جامعه ای عادلانه و بدون فساد یکی از محورهای دوم گام انقلاب را تشکیل جامعه عدالت محور و به دور از فساد می دانند. ایشان بحث عدالت و مبارزه با ظلم را تنها در بعد نظری ارائه نکرده بلکه به نکات ارزنده ای نیز در خصوص استقرار عملی عدالت در جامعه اسلامی نیز توجه نموده اند.

در نظام اسلامی، عدالت مبنای همه ی تصمیم گیری های اجرایی است و همه ی مسئولان نظام، از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تا مسئولان بخش های مختلف اجرایی، به خصوص رده های سیاست گذاری و کارشناسی و تا قضات و اجزای دستگاه قضایی، باید به جدّ و جهد و با همه ی اخلاص، در صدد اجرای عدالت در جامعه باشند. امروز در جامعه ای ما، برترین گام در راه استقرار عدل، رفع محرومیت از طبقات محروم و تهی دست و کم درآمد است. (پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ۱۳۷۰/۳/۱۳ <http://farsi.khamenei.ir>)

از آنجا که جمهوری اسلامی بر اساس این الهی شکل گرفته و جمهوری اسلامی حاکمیتی عدالت طلب است بناچار باید در دو حوزه داخلی و بین المللی با بی عدالتی و ظلم مبارزه کند که خود این امر نیز تلاش و مقاومتی مضاعف را می طلبد. (بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۷/۳/۳۰ <http://farsi.khamenei.ir>)

در نهایت ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب نیز راه حل تامین عدالت و مبارزه با فساد در سطح جامعه را مبارزه و مقاومت انسانهایی باایمان و جهادگر، و منبع الطبع با دستانی پاک و دلهایی نورانی، دانستند.

۵-۶- حوزه استقلال و آزادی

استقلال» و آزادی از ارکان مهم انقلاب اسلامی ایران و از «محکمت» و «اصول ثابت» اندیشه‌ی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری محسوب می‌شوند؛ که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر آن تاکید فراوانی شده است. مقام معظم رهبری از استقلال طلبی به عنوان یکی از اصول هفت‌گانه‌ای اندیشه و مکتب امام خمینی (ره) یاد کرده‌اند. (<http://farsi.khamenei.ir>)

از منظر امام خمینی (ره) استقلال دارای دو بعد سلبی و ایجابی است. استقلال سلبی همانا است که زمینه‌ساز تحقق حکومت نه شرقی، نه غربی محسوب می‌گردد (امام خمینی، ج ۱۷، ۵۶) ایشان با تاکید بر ماهیت ضداستعماری انقلاب اسلامی ایران، هدف آن را خارج‌شدن از مدار وابستگی به کشورهای امپریالیست و در نهایت شکست ابرقدرت‌ها می‌داند و با مقابله با ایادی منطقه‌ای امپریالیسم به‌ویژه صهیونیسم تأکید بسیاری دارند. (امام خمینی، همان، ج ۱۴: ۱۳۵)

مقام معظم رهبری استقلال را یکی از آرمانها و ارزشهای یک ملت می‌دانند و می‌فرمایند: استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی؛ این یکی از آرمانها است [برای] یک ملت؛ که اگر چنانچه این وجود داشت -یعنی استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی که هرکدام یک فصل طولانی‌ای دارد- آن ملت مجبور نمیشود که زورگویی و تحمیل را از زورگویان و زیاده‌خواهان عالم تحمل کند. یکی از آرزوها استقلال است. (بیانات در جمع تعدادی از دانشجویان ۱۳۹۷/۳/۷ - <http://farsi.khamenei.ir>)

در بیانات امام خمینی (ره) استقلال دارای سطوح مختلفی از قبیل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و... است که در درون خود آزادی را به همراه دارد. که جز با مقاومت و استقامت همگانی در برابر دشمنان داخلی و خارجی میسر نخواهد شد. ... (امام خمینی، همان، جلد ۲۰: ۳۳۹)

استقلال و آزادی کلیدواژگان مهمی هستند که حضرت امام و مقام معظم رهبری در سخنان خود بارها بر آن تأکید کرده‌اند؛ استقلال و آزادی و آزادیخواهی یک مطالبه اسلامی و از اهداف اصلی انقلاب اسلامی است به شمار می‌رود. مقام معظم رهبری در پاسخ به نامه جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه فرمودند:

«... نباید از «آزادی» ترسید و از «مناظره» گریخت و «نقد و انتقاد» را به کالای قاچاق و یا امری

تشریفاتی، تبدیل کرد چنانچه نباید... بجای آزادی، به دام هتاکی و مسئولیت گریزی لغزید، ... بدون آزادی بیان و گفتگوی آزاد با «حمایت حکومت اسلامی» و «هدایت علما و صاحب نظران»، تولید علم و اندیشه دینی و در نتیجه، تمدن سازی و جامعه پردازی، ناممکن یا بسیار مشکل خواهد بود. برای علاج بیماری ها و هتاکي ها و مهار هرج و مرج فرهنگی نیز بهترین راه، همین است که آزادی بیان در چارچوب قانون و تولید نظریه در چارچوب اسلام، حمایت و نهادینه شود.» (۱۶ / ۱۱ / ۱۳۸۱)

(<https://www.porseman.com/article>)

بر این اساس رسیدن به تمدن سازی و جامعه پردازی و آزادی و استقلال واقعی جز در سایه مقاومت همگانی در برابر ناملایمات و مشکلات داخلی و خارجی امکان پذیر نخواهد بود.

۶-۶- حوزه عزت ملی و روابط خارجی

«عزت، حکمت، و مصلحت» واژگانی در سطح روابط بین المللی اند؛ که متأسفانه نخبگان فکری و سیاسی داخلی آنچنان که بایسته است بر آنها متمرکز نشده اند.

از نگاه نصوص دینی بخصوص قرآن کریم عزتمندی مخصوص خداوند متعال و رسولان و مؤمنان است که پذیرش ولایت آنهاست (نساء / ۱۳۸-۱۴۰) و (حج / ۴۰) بر اساس این اندیشه مومنین وظیفه دارند تا هر راهی که موجب سیطره کفار و وابستگی و ذلت جامعه مومنین می باشد پرهیز نمایند. (نساء / ۱۴۱) این قاعده را از منظر فقهی قاعده نفی سبیل می گویند. که می تواند هم جنبه ایجابی هم جنبه سلبی داشته باشد. و پایبندی به آن می تواند موجبات عزتمندی جامعه اسلامی را به همراه داشته باشد.

توجه و تاکید بر اصل عزتمندی را در عرصه ها و زمینه های مختلف در کلام و رفتار امام خمینی (ره) به عینه متبلور شده است و برای عزت و سربلندی مسلمانان خواهان برتری تفکر اسلامی و توحیدی بر هر تفکر انسان مدارانه و الحادی شد و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکردند. مقام معظم رهبری نیز همان راه امام را ادامه دادند و براین اصل تاکید داشتند و راه عزتمندی را راه امام ره می دانند. و فرمودند: «آنچه من به ملت خودمان عرض میکنم این است که راه امام بزرگوار و راه انقلاب را رها نکنید؛ این راه را دنبال کنید. عزت دنیا و عزت در ملاء اعلی به این وابسته است

۱. «بَشِّرِ الْمُتَّقِينَ بَأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيبَغُونَ عَنْهُمْ الْعِزَّةَ فَإِنَّ

الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» و «وَلْيَنْصِرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»

۲. «وَلَن يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا».

که این راه را برویم» (امام خامنه ای ۱۳۹۵/۹/۲۷ <http://farsi.khamenei.ir>)

ایشان راه تامین امنیت و پیشرفت نظام و خلاصه اینکه همه چیز را متوقف بر عزت یک ملت می دانند و فرمودند: «اگر عزت بود، امنیت هم خواهد آمد؛ اگر امنیت بود، پیشرفت هم عملی خواهد بود؛ و آلا اگر یک ملت تحقیر شد، همه چیز او به بازی گرفته خواهد شد؛ حتی امنیت او، حتی ثروت او و همه چیز او» (امام خامنه ای، ۱۳۹۳/۱۱/۱۹ <http://farsi.khamenei.ir>) ایشان در ادامه همین بیانات تاکید ویژه ای بر محفوظ ماندن عزت ملی می نمایند که با مقاومت بدست می آید نه باسازش غیرعزت مندان. (امام خامنه ای، همان ۱۳۸۴/۵/۲۸) همچنین در بیانیه گام دوم انقلاب، شجاعت و حکمت مدیران جهادی را از عوامل تامین عزت جمهوری اسلامی دانسته و فرمودند:

... تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست های آمریکا در منطقه ی غرب آسیا و زمین گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه. اینها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی آمد. (امام خامنه ای، ۱۳۹۷/۱۱/۳۰ بیانیه گام دوم انقلاب)

۷-۶- محور حوزه سبک زندگی

یکی از محورهایی که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب مورد تاکید قرار دادند سبک زندگی اسلامی است که چندین سال است ایشان اهتمام ویژه ای به آن دارند. بر این اساس اگر ما می خواهیم به جامعه ای پیشرفته و تمدن ساز دست پیدا نماییم ضرورت دارد تا سبک زندگی مومنانه و اسلامی ویژه خود را نیز داشته باشیم بر این اساس سبک زندگی اسلامی درست در گرو دانستن شاخص های درست زندگی اسلامی است چرا که همانطور که مقام معظم رهبری فرمودند: تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیانهای بی جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه جانبه و هوشمندانه میطلبد که باز چشم امید در آن به شما جوانها است. (بیانیه گام دوم انقلاب)

ایشان در بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب فرمودند:

یک طرف قضیه یک نظام اسلامی است که اقتصاد هست، حکومت هست، فرهنگ هست، دانش روز هست، فناوری های جدید عالم هست، ارتباطات گوناگون اجتماعی هست، سبک زندگی هست؛ دائم تفکرات و نظرهای جدیدی که در زندگی اثر میگذارند، دارد در دنیا به وجود می آید و صادر میشود؛ اینها

هست. ما یک نظامی داریم با این پدیده‌ها و با این حوادثی که پیرامونش و در درونش وجود دارد؛ این [نظام] باید اداره بشود با اسلام، با فکر اسلامی. فکر اسلامی در جنبه‌ی عملی، همان فقه اسلام است؛ (بیانات در دیدار اعضای موسسه عالی فقه و علوم اسلامی ۱۳/۱۲/۱۳۹۷)

بر این اساس جامعه ای که بتواند در مولفه هایی چون عدالت، قانون، ساده زیستی، الگوی پوشش مناسب، زندگی مومنانه، الگوی مصرف درست، حرکت بر اساس عقل و دین، نظم و انضباط، تولید علم و ... حرکت نماید نمونه‌ای از تبدیل و تغییر سبک زندگی اسلامی خواهد بود که با الگو گیری از نظریه مقاومت شکل گرفته باشد.

رابطه نظریه مقاومت و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

متن	دلالت	مدلول
انقلاب پرشکوه ملت ایران... در برابر همه و سوسه‌هایی که غیرقاب لمقاومت به‌نظر میرسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده	مقاومت انقلاب اسلامی در مقابل وسوسه ها	تمدن سازی پیامد مقاومت اسلامی
چپ و راست مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیکتر شدند.	دشمنی ها با فرهنگ مقاومت	شکست دشمنان
شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثناست...؛ زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است.	فطری بودن آرمان مقاومت	ماندگاری شعار مقاومت
جمهوری اسلامی... به مرزبندیهای خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است.	پایبندی به مقاومت	مقاومت ملاک مرزبندی
این دامنه عمل [ایستادگی جهانی و منطقه‌ای در کنارمظلومان جهان، مایه سربلندی ایران و ایرانی است و هموارهچنین باد.	ایستادگی انقلاب اسلامی در مقابل زورگویان	مقاومت مایه عزت
تقابل دوگانه جدید «اسلام و استکبار» پدیده برجسته جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد.	مقاومت اسلامی عامل ایجاد قطب بندی جدیدجهانی	تقابل گفتمانی اسلام و استکبار به دلیل مقاومت است
«و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملت ورهبری آسمانی و تأییدشده امام عظیم الشان ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خیانت، امکانپذیر نمی باشد.»	ایمان الهی و اراده مردم عامل توفیق درمقاومت	لوازم مقاومت اسلامی

مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل «ما میتوانیم»؛ عامل عزت و پیشرفت ایران در همه عرصه ها	مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل ما میتوانیم	لوازم مقاومت اسلامی
ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود، ضمانت کرد و معجزه پیروزی در جنگ هشت ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرفیاش را پدید آورد.	امنیت کشور نتیجه مقاومت اسلامی	پیامد مقاومت اسلامی
موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساختهای حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده آن روزبهروز فراگیرتر میشود.»	پیشرفتهای علمی و فناوری	پیامد مقاومت اسلامی

نکته حائز اهمیت در مقام توصیف جایگاه گفتمان مقاومت در بیانیه گام دوم این است که کلان روایت گفتمان انقلاب اسلامی از مجموعه‌ای از خرده‌گفتمانها تشکیل شده است که زنجیروار در کنار یکدیگر معنا می‌یابند. از یک منظر، نظریه مقاومت خرده‌گفتمانی از گفتمان انقلاب اسلامی است که در ارتباط با خرده‌گفتمان‌هایی نظیر بیداری اسلامی، تمدن نوین اسلامی، استکبارستیزی و موعودگرایی معنا می‌یابد و از منظری دیگر، گفتمان مقاومت به مثابه گفتمان، دربرگیرنده دلالت‌های نظری و عملی است که مؤید منطق رفتاری گفتمان انقلاب اسلامی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. از اینرو باید در فهم معنای مقاومت در بیانیه گام دوم، نگاهی پیوسته و مداوم از کل (گفتمان انقلاب اسلامی) به جزء (گفتمان مقاومت) و بالعکس داشت.

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث فوق، نتایج تحقیق را میتوان در قالب نکات زیر خلاصه کرد: نظریه‌ی مقاومت نفی هزینه‌های سنگین سازش و پذیرش هزینه منطقی دفاع از عزت ملی که البته متکی بر منطق عقلی، دینی و علمی بوده و هیچگاه احساسی و انفعالی انجام نمیشود. در این مقاومت از همه ابزارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و خشی سازی ضربات و وارد کردن ضربه‌های سخت و غافلگیر کننده به دشمن برای تصحیح محاسبات غلط و یادآوری خسارتها و افزایش هزینه‌های

سنگین به دشمن و متحدینش و اجازه اجماع‌سازی از او سلب می‌شود. با توجه به اینکه گفتمان استکبار، لیبرالیسم، یا نظریه های غربی جهان را برای خودشان میدانند و دولت-ملت را جهانی و دولت جهانی را آمریکا و ملت جهانی را سازمان ملل میدانند و جهان را به مناطق مختلف تقسیم کرده‌اند. در مقابل مقاومت فعال، راهبرد ایران در گام دوم انقلاب اسلامی است که در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین المللی باعث کنار زدن سایه جنگ، تبدیل تهدید به موقعیت و فرصت و افول هژمونی نظام استکبار را در پی داشت. بر این اساس لازمه ساختن جامعه‌ای پیشرفته، مستقل، امن و عزتمند، استفاده حداکثری از فرصت‌ها و قوت‌ها و خشی کردن چالش‌ها و ضعف‌ها است. استبداد داخلی و استعمار خارجی علت‌العلل عقب‌ماندگی جهان اسلام در دو قرن گذشته بوده و برای برون رفت از این مسئله راهکارهای مختلفی ارائه و عملیاتی شده است. در این میان، راهکار پیشنهادی انقلاب اسلامی، تبیین، ترویج و التزام به گفتمان مقاومت در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به عنوان منشور فکری و رفتاری به ترسیم وضعیت گذشته، موجود، مقدور و مطلوب گفتمان انقلاب اسلامی پرداخته و نقش گفتمانی مقاومت اسلامی در سیر تحولات گذشته و آینده را تبیین کرده است.

براساس بیانیه گام دوم، توفیق گذشته انقلاب اسلامی، به دلیل التزام فکری و عملی به گفتمان مقاومت اسلامی، و ناکامی‌ها به دلیل بی توجهی مقطعی به ارزش‌ها و هنجارهای انقلاب اسلامی و به تبع آن، مقاومت اسلامی بوده است. از اینرو، میزان توفیق در تحقق اهداف انقلاب اسلامی منوط به میزان پابندی به گفتمان مقاومت خواهد بود.

منابع

- قرآن مجید ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۲). دیپلماسی و رفتار بین المللی در اسلام، تهران، سمت.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۹۲). حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۸۶). صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۴). فرهنگ معاصر عربی-فارسی، تهران، نی.
- آلوسی بغدادی، ابی الفضل شهاب الدین، محمود، ۱۳۹۸ق/۱۹۷۸م، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دارالفکر.
- آمدی، عبدالواحد، ۱۳۸۰، غررالحکم و درالکلم، شرح و ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۸). واسازی گفتمان مسلط دانشگاهی در عرصه علم سیاست در بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین الملل در ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی.
- جمشیدی، محمد حسین و ایران نژاد، ابراهیم (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر تبیین عدالت اجتماعی در اندیشه امام خمینی (س)، پژوهشنامه متین، ۱۲ (۴۹)، ۱۵-۳۸.
- حقیقت، سید صادق و حسینی زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۷). گفتمان، در رهیافت و روش در علوم سیاسی، به اهتمام عباس منوچهری. تهران: سمت.
- حسینی زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۶). اسلام سیاسی در ایران، چاپ اول، قم: دانشگاه مفید.
- حسینی زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۳). نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی، علوم سیاسی، ۷ (۲۸)، ۱۸۱-۲۱۲.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۱). الگوی نظم جهانی در نظریه اسلامی روابط بین الملل، پژوهش‌های روابط بین الملل، ۲ (۳)، ۹-۴۷.
- رستمی کیا، عباسعلی (۱۳۸۹). مبانی نظری دفاع مقدس در قرآن، ادبیات پایداری، ۱ (۲)، ۹۵-۱۰۷.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتاب العربی
- سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۳). دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، قم، بوستان کتاب.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). تفسیر جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.

عبداللهی عابد، صمد و قبادی، مهری (۱۳۹۳). راهکارهای قرآن برای رونق اقتصادی، سراج منیر،

عمر، محمدخالد (۲۰۱۱). المقاومة بین القيم دین الوطنیه، برگرفته سایت، WWW.EDLEB.NET

عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳). فقه سیاسی، حقوق بین الملل اسلام ج ۴، تهران، امیرکبیر.

قادری بیگدلی، روح الله (۱۳۹۲). شرحی بر نظریه مقاومت در روابط بین الملل، سایت اطلاع رسانی دانا.

کاکس، رابرت (۱۳۸۰). رئالیسم نو چشم اندازی بر چند جانبه گرایی و نظم نوین جهانی، مترجم مهدی

رحمانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

کسرابی، محمدسالار و پور شیرازی، علی (۱۳۸۸). نظریه گفتمان لاکالا و موفه، ابزار کارآمدی در فهم و

تبیین پدیده های سیاسی، سیاست، ۵۶-۷۵

گازیوروسکی، مارک ج (۱۳۷۱). سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه: فریدون کاظمی، تهران، نشر مرکز،

چاپ دوم.

متقی، ابراهیم و پوستین چی، زهره (۱۳۹۰). الگو و روند در سیاست خارجی ایران، قم، دانشگاه مفید.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث الاسلامی، الطبعة الثالثة.

مطلق، شقور (۲۰۰۹). اثر حزب الله فی تطویر فکر القایه واسالیبهافی المنطفه العربیه، نابلس، فلسطین، جامعه

النجاح الوطنی.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). ده گفتار، تهران، انتشارات صدرا.

میرقادری، سیدابوالفضل و کیانی، حسین (۱۳۸۹). بن مایه ادبیات مقاومت در قرآن، ادبیات دینی، ۱-۶۹-

۹۷.

مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰). نظریه تحلیل گفتمان لاکالا و موفه و نقد آن، معرفت فرهنگی، اجتماعی، ۲(۶)،

۳۴-۵۰.

ناظمی اردکانی، مهدی و خالدیان، صفرعلی (۱۳۹۷). مؤلفه های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان

اسلام، مطالعات جهان اسلام، ۷(۳۶)، ۸۶-۵۹.

هوارت، دیوید (۱۳۸۸). نظریه گفتمان، در: دیوید مارش و جری استوکر، روش و نظریه در علوم سیاسی،

ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

Foran, John, (1977) "The Iranian Revolution of 1977- 1979: A Challenge for Social Theory", unpublished article.
 Hussain, Asef, (1985) Islamic Iran: Revolution and Counter-Revolution, London, France Printer.
 Keddie, Nikki R., (1981) Roots of Revolutions, New Haven, Yale University Press.
<http://farsi.khamenei.ir>
<https://www.porseman.com/article>
 REHARDtASHLI-1983 The eye of power:the politics of world modelling
 International organisation 37:535-795.
www.imam-khomeini-isf.com